



۱- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ: "يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ"

- (۱) الله مثلهايی برای مردم می‌زند، شاید پند بگیرند!
- (۲) الله برای مردم مثلها را می‌زند، شاید یادآور شوند!
- (۳) خداوند مثلی برای مردم زده است، باشد که متنبه شوند!
- (۴) خداوند برای مردم مثلی زده است، باشد که عبرت بگیرند!

۲- «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا»

- (۱) آیا نمی‌بینید خداوند هفت آسمان تو در تو را خلق کرده است!
- (۲) آیا نیاندیشیده‌اید که الله هفت آسمانی خلق کرده که تو در تو بوده است!
- (۳) آیا نمی‌اندیشید چگونه الله آسمان‌های هفت گانه را طبقه بر طبقه آفریده است!
- (۴) آیا ندیده‌اید که خداوند چگونه هفت آسمانی آفریده است که طبقه طبقه است!

۳- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

"بَعْضُ التَّجَارِبِ وَإِنْ كَانَتْ قَلِيلَةً وَ لَكِنَّهَا مَفِيدَةٌ لَنَا جَدًّا"

- (۱) بعضی تجربه‌ها اگر چه کم به نظر می‌رسند، اما فواید زیادی برای ما دارند!
- (۲) برخی تجربیات که کم به نظر می‌رسند، برای ما فواید بی شماری در بر دارند!
- (۳) برخی تجربیات با وجود اندک بودن، فایده آن‌ها برای ما بسیار زیاد خواهد بود!
- (۴) بعضی تجربه‌ها هر چند اندک باشند، ولی برای ما بسیار مفید هستند!

۴- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«الابْتِسَامُ عَلَى الْحَيَاةِ يَقْوِيكَ عَلَى إِجْزَاءِ الْأَعْمَالِ الصَّعْبَةِ وَ الْأُمُورِ الْعَظِيمَةِ!»:

- (۱) خندیدن بر زندگی، تو را بر انجام کارهای شاق و سخت و بزرگ قادر می‌سازد!
- (۲) خندیدن برای زنده ماندن، اعمال سخت و کارهای بزرگ را برای تو ساده می‌کند!
- (۳) لبخند زدن برای حیات داشتن، تو را در اعمال سخت و کارهای عظیم یاری می‌دهد!
- (۴) لبخند زدن به زندگی تو را در انجام دادن اعمال سخت و کارهای عظیم توانمند می‌کند!

۵- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

«أَعْرَضَ عَنِ هَوَى نَفْسِكَ حَتَّى لَا يَصِلَ ضَرْهُهُ إِلَى قَلْبِكَ»

- (۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند!
- (۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
- (۳) از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد!
- (۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۶- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا، فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»:

- (۱) چنانچه کسی را مظلومانه به کشتن دهند، اولیای دم وی را سلطه می‌دهیم!
- (۲) هر کس مظلومانه به قتل برسد، برای صاحب خون او قدرتی قرار می‌دهیم!
- (۳) آنکه قتل او مظلومانه باشد، صاحب خونش را سلطنت می‌بخشیم!
- (۴) کسی که با ظلم کشته شود، ولی دم او را قدرتمند ساخته ایم!



۷- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

لنحارب الأفكار السيئة و المزعجة دائماً حتى تبتسم لنا الحياة:

- ۱) باید با افکار بد و ناراحت کننده پیوسته بجنگیم تا زندگی به ما لبخند بزند!
- ۲) همیشه افکار منفی و ناامید کننده با ما می‌جنگند تا نتوانیم به زندگی بخندیم!
- ۳) برای اینکه زندگی به ما لبخند بزند باید دائم افکار منفی و ناراحت کننده را از خود دور کنیم!
- ۴) برای جنگیدن دائمی با افکار منفی و ناامید کننده می‌کوشیم و زندگی به ما لبخند می‌زند!

۸- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ

«يجب أن نسمح لأصدقائنا أن يطرحوا علينا مشاكل حياتهم لعلنا نستطيع أن نزيلها!»:

- ۱) واجب است از دوستانمان بخواهیم که مشکلات زندگی را برای ما بیان کنند شاید بتوانیم آن‌ها را حل نماییم!
- ۲) ما به دوستان خود اجازه می‌دهیم که با مطرح کردن مشکلی زندگی خود با ما، بتوانیم آن‌ها را از بین ببریم!
- ۳) باید به دوستان خود اجازه دهیم مشکلات زندگی خود را با ما مطرح کنند شاید بتوانیم آن‌ها را برطرف کنیم!
- ۴) بر ما واجب است اجازه‌ی مطرح کردن مشکلات را به دوستان خود بدهیم امید است که بتوانیم آن‌ها را زایل کنیم!

۹- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«اليوم حاولت أن أعطى ذلك العامل هدية تُقلِّل من تعب عمله!»

- ۱) تلاش من امروز این بود که با دادن هدیه‌ای به آن کارگر از سختی کارش بکاهم!
- ۲) امروز تلاش کردم به آن کارگر هدیه‌ای بدهم که از سختی کارش کم کند!
- ۳) امروز سعی نمودم که با دادن هدیه از سختی کار آن کارگر بکاهم!
- ۴) با تلاش امروزم در دادن هدیه به آن کارگر سختی عمل او کم شد!

۱۰- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُوم أَوْ التَّعْرِيب:

«خلق الله السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضَ بِالْحَقِّ، إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ»

- ۱) الله آسمان و زمین را به حق آفریده است، قطعاً در آن آسمان و زمین برای مؤمنان نشانه‌ای هست!
- ۲) خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق خلق کرده است، همانا در آن خلقت آیتی است مؤمنان را!
- ۳) آفریدن آسمان‌ها و زمین‌ها از جانب خداوند است، همانا در آن نشانه‌ای برای مؤمنان است!
- ۴) خلق کردن آسمان و زمین‌ها بوسیله‌ی الله می‌باشد، تا در آن آیتی باشد مؤمنان را!

۱۱- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُوم أَوْ التَّعْرِيب

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتِهِمْ أَجْمَعِينَ:

- ۱) وعده‌ی ملاقات همگی ما قطعاً روز قیامت است!
- ۲) همانا روز قیامت وعده‌ی دیدار همگی آنان است!
- ۳) میعادگاه دیدار ما بلاشک روز جدائی است، برای همگی!
- ۴) بدون تردید روز جدایی میعادگاهی است، برای همگی آنان!



۱۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»:

- ۱) بلاشک الله دگرگون نمی‌کند هیچ قومی را الا این که آن چه در دل‌های آن قوم است تغییر داده شود!
- ۲) همانا خداوند آن چه را در قومی هست تغییر نمی‌دهد مگر این که آن چه را در درون‌شان هست، تغییر دهند!
- ۳) قطعاً الله چیزی را که قومی در درون خود دارند تغییر نخواهد داد مگر این که ابتدا درون خویش را تغییر دهند!
- ۴) بدون تردید خداوند دگرگون کننده‌ی چیزی که قومی در نفس خود دارند نیست الا این که نخست آن چه را در دل دارند دگرگون سازند!

۱۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

انزعجتُ من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى النَّاسِ، و لكنَّه لم يهتمَّ با نزعاجي!

- ۱) از بعضی از کارهایش که سبب آزار مردم می‌شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
- ۲) بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی‌ام اهمیتی نداد!
- ۳) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی‌داد!
- ۴) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

۱۴- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لن ينحنى أجيالنا الضامدون أمام الظلم و الظالمين و سيثورون عليهم!»

- ۱) نسل‌های مقاوم ما در برابر ظلم و ظالمان تسلیم نخواهند شد و علیه آنان قیام خواهند کرد!
- ۲) نسل‌هایی استوارند که در برابر ظلم و ظالمان خم نمی‌شوند و ضدّ آنان به پای خواهد خاست!
- ۳) نسل ما مقاومتش سر فرود نیاوردن در مقابل ستم و ستمگران است و ضدّ آنان به پای خواهد خاست!
- ۴) نسل پایدار ما است که در مقابل ستم و ستمگری سر فرود نمی‌آورد و علیه آنان به پای خواهد خاست!

۱۵- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«يقولون انّ معرفه الله أمرٌ مستحيل، و لكننا إن عرفنا أنفسنا فقد عرفنا ربّنا معرفةً حقيقيّة!»:

- ۱) می‌گویند شناخت الله کاری غیر ممکن است، و لیکن ما اگر خود را بشناسیم پروردگار خود را حقیقتاً می‌شناسیم!
- ۲) می‌گفتند که شناخت خداوند مسأله‌ای ناممکن است، ولی معرفت به خود، حقیقتاً معرفت به خدا را در پی دارد!
- ۳) گفته می‌شود که معرفت الله امری محال است، ولی شناخت خود، ما را به طور حقیقی به شناخت پروردگار رهنمون خواهد کرد!
- ۴) گفته می‌شود که پی‌بردن به وجود خداوند امری نشدنی است. ولیکن زمانی که ما به وجود خود پی ببریم در حقیقت به وجود خدا پی برده‌ایم!

۱۶- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«الْفُرْصُ الذَّهْبِيَّةُ تَحْصُلُ لِجَمِيعِ النَّاسِ، و لكنَّ النَّاجِحِينَ هُمُ الَّذِينَ يَقْتَنِصُونَهَا!»:

- ۱) فرصت‌های طلائی وجود دارد که برای همه مردم پیش می‌آید، ولی تنها پیروزمندان هستند که موفق به شکار آن‌ها می‌شوند!
- ۲) فرصت‌های طلائی برای تمامی مردم حاصل می‌گردد، ولی انسانهای موفق همان کسانی هستند که آنها را شکار می‌کنند!
- ۳) فرصت‌های زرّین برای همه انسانها حاصل شدنی است، اما تنها افراد پیروز هستند که شکارش می‌کنند!
- ۴) برای تمامی مردمان فرصت‌هایی زرّین به دست می‌آید، ولی فقط افراد موفق به شکار آن نایل می‌شوند!



۱۷- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«لا أقدر على القيام بهذا العمل الخطير إلا أن يساعدنى والداى مساعداً مثمراً!»:

- (۱) من قادر به انجام این کار مهم نیستم مگر این که والدینم به نحوی ثمربخش به من کمک کنند!
- (۲) زمانی به انجام دادن این عمل باارزش اقدام می‌کنم که از والدینم مساعدتی تأثیرگذار داشته باشم!
- (۳) اگر پدر و مادر مرا در اقدام به این کار پُر خطر یاری مؤثری نکنند نمی‌توانم آن را به خوبی انجام دهم!
- (۴) فقط در صورتی می‌توانم این کار را خوب انجام دهم که پدر و مادرم مرا به گونه‌ای ثمربخش یاری نمایند!

۱۸- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«أثمار فصل الصيف المفيدة هي الزهور المتلوّنه التي كانت قد صنعت لنا منظرًا رائعاً في فصل الربيع!»:

(۱) میوه‌های مفید فصل تابستان همان شکوفه‌های رنگارنگی هستند که در فصل بهار منظره‌ی دل‌انگیزی برای ما ساخته بودند!

(۲) همان شکوفه‌های رنگین که در فصل بهار منظره‌ی دل‌انگیز ایجاد می‌کنند در فصل تابستان میوه‌های مفید به بار می‌آورند!

(۳) همان شکوفه‌های رنگارنگی که منظره‌ی فصل بهار را زیبا کرده بودند در فصل تابستان تبدیل به ثمرات مفید شدند!

(۴) میوه‌های مفید در فصل تابستان شکوفه‌های رنگارنگ بهاری هستند که آن منظره‌های جالب را برایمان می‌ساختند!

۱۹- «اللهم! قد جعلت لنا عديدة في الدنيا حتى تُربّينا، فيسرها أنت علينا أيضاً»:

- (۱) خدایا، در دنیا مشکلات متعدّدی را برای ما قرار داده‌ای تا ما را تربیت کنی، پس تو خود نیز آن‌ها را بر ما آسان کن!
- (۲) پروردگارا! مصیبت‌های مختلفی را در دنیا برای ما گذاشتی تا تربیت شویم، پس تو نیز آن‌ها را برایمان آسان می‌کنی!
- (۳) پروردگارا! مصیبت‌های متعدّدی را در دنیایمان گذاشته‌ای تا پرورشمان دهی، پس خودت نیز آن‌ها را بر ما آسان کن!

(۴) خدایا! در دنیا مشکلات مختلفی را بر ایمان نهادی تا تربیتمان کنی، پس تو خود نیز آن‌ها را برایمان آسان می‌کنی!

۲۰- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

«إن نؤمن بأنّ الباطل سيكون زهوقاً، فلن نياس من سيطرة الظّالمين!»:

(۱) اگر ایمان بیاوریم که باطل از بین رفتنی خواهد بود، از مسلط شدن ظالمان نا امید نخواهیم شد!

(۲) چنان چه ایمان بیاوریم که باطل نابود شدنی است، از این که ظالمان مسلط شوند نا امید نمی‌شویم!

(۳) چنان چه ایمان داشته باشیم که باطل از بین خواهد رفت، از مسلط شدن ظالمان نومید نخواهیم شد!

(۴) اگر به این که باطل از بین رفتنی است، ایمان داشته باشیم، از این که ظالمان مسلط شوند نومید نمی‌شویم!

۲۱- عَيْنِ الْأَصْحٰ و الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«قد عاهدت نفسي أن أعمل بما أعدّ، و لا أنطق إلا بما فعلته!»:

(۱) با خویشتن عهد کردم که هرگز خلف وعده نکنم، و آنچه را نمی‌توانم انجام دهم هرگز نگویم!

(۲) با خویشتن عهد می‌کنم که آنچه وعده می‌دهم انجام دهم، و آنچه را عمل نمی‌کنم هرگز بر زبان نرانم!

(۳) با خودم پیمان بسته‌ام که اگر وعده‌ای دادم حتماً عمل کنم، و از گفتن چیزی که انجام نمی‌دهم بپرهیزم!

(۴) با خود عهد کرده‌ام که به آنچه وعده می‌دهم عمل کنم، و فقط درباره‌ی آنچه آن را انجام داده‌ام سخن بگویم!



۲۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ

الزَّمِ التَّفَكَّرَ وَ التَّعَلَّمَ فَمَا أَمْرَانِ قَدْ شَجَّعَ الْإِسْلَامَ الْمُسْلِمِينَ بِهِمَا مِنْذُ ظَهْرِهِ!:

(۱) همراه تفکر و آموختن باش، زیرا این امور از ابتدای ظهور اسلام مورد تأکید بوده و مسلمانان به آن تشویق شد هاند!

(۲) تفکر و تعلیم بر تو واجب است، چه این دو امر همان است که اسلام از ابتدای ظهور به مسلمانان تأکید کرده است!
(۳) بر تفکر و آموزش متعهد باش، زیرا آن‌ها اموری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمین را بدان‌ها تشویق کرده است!

(۴) پای بند تفکر و یادگیری باش، چه آن‌ها دو امری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمانان را بدان‌ها تشویق کرده است!

۲۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

«هناك خير في كلِّ شدةٍ فإننا نستطيع أن نعرف بها صديقنا من عدونا!»:

(۱) در هر سختی ای خیری وجود دارد، چه ما می‌توانیم بوسیله‌ی آن دوست خود را از دشمنان بشناسیم!
(۲) آن‌جا در هر سختی‌ای خیری است که توانسته‌ایم بوسیله‌ی آن دوستان و دشمنان خود را بشناسیم!
(۳) آن‌جا در همه‌ی سختی‌ها سود و منفعتی برای ما است زیرا شناخت دوست از دشمن را در پی دارد!
(۴) در هر سختی‌ای منفعتی هست که شناختن دوست و دشمنان را بواسطه‌ی آن به دنبال دارد!

۲۴- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«إن تُرد أن تكون مؤثراً في قلوب الشباب فاتخذ الرفق في معاشرتهم»

(۱) چنانچه خواهان تأثیرگذاری بر دل جوانان باشی پس هنگام معاشرت کردن با آن‌ها مدارا اتخاذ کن!
(۲) هرگاه خواستی در دل جوان‌ها مؤثر باشی هنگام همنشینی با آن‌ها با مراعات و مهربانی رفتار کن!
(۳) اگر بخواهی که در دل‌های جوانان تأثیرگذار باشی در معاشرت با آنان مدارا کردن را پیشه کن!
(۴) اگر بخواهی بر نفوس جوان‌ها مؤثر باشی در همنشینی با ایشان سازگاری را پیشه‌ی خود کن!

۲۵- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

هناك كثيرٌ من الأشخاص يتحملون المشقات في حياتهم ليكتسبوا المعالي!:

(۱) آن‌جا بسیاریند که سختی‌های زندگی را متحمل می‌شوند تا بزرگی‌هایی برایشان بدست آید!
(۲) این‌جا هستند افراد بسیاری که مشقات را در زندگیشان تحمل کرده، برتری‌ها را بدست می‌آورند!
(۳) بسیاری از اشخاص هستند که مشقات را در زندگانشان تحمل کرده، برتری‌ها را کسب نموده‌اند!
(۴) بسیاری از افراد هستند که در زندگی خود سختی‌ها را تحمل می‌کنند تا بزرگی‌ها را بدست آورند!

۲۶- «مفتاح الهدوء هو ان نعلم أنه لا اثر لرأي الآخرين في حياتنا!»:

(۱) کلید آرام بودن این است که نظر دیگران در زندگی ما هیچ تأثیری ندارد!
(۲) کلید آرامش یعنی بدانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!
(۳) کلید آرامش آن است که بدانیم نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی ما ندارد!
(۴) کلید آرام بودن آن است که می‌دانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!



۲۷- عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ

«النَّاسُ لَا يَنْفَعُونَ فِي التَّفْرِقَةِ، إِلَّا إِذَا ابْتَعَدُوا عَنِ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ!»: مردم ... عَيْنِ الْخَطَا:

(۱) در تفرقه نمی‌افتند، مگر وقتی از صراط مستقیم دور گردند!

(۲) فقط وقتی در تفرقه می‌افتند که از صراط مستقیم دور گردند!

(۳) دچار تفرقه نمی‌گردند، مگر هنگامی که از راه راست دور شوند!

(۴) فقط زمانی که از صراط مستقیم دور می‌شوند در تفرقه نمی‌افتند!

۲۸- عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

«إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُضْحَوْنَ بَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ هِدَايَةِ الْإِنْسَانِ، مَجْهُولُونَ غَالِبًا!»

(۱) مؤمنانی که در راه هدایت انسان، جان‌های خود را فدا می‌کنند، اغلب ناشناخته‌اند!

(۲) مؤمنان همان کسانی‌اند که در راه هدایت انسان، جان خویش را قربانی کرده و غالباً پنهانند!

(۳) مؤمنانی که در راه هدایت کردن انسان، از جان خود می‌گذرند، اکثر اوقات آن را پنهان می‌کنند!

(۴) مؤمنان کسانی هستند که در راه هدایت شدن نفس‌هایشان، از خود گذشته و بیشتر وقت‌ها شناخته نیستند!

۲۹- عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ

قَدْ يَلْقَى الشُّبَابُ نَفْسَهُ بِسَبَبِ أَخْطَائِهِ فِي بَثْرِ، الْخُرُوجِ مِنْهَا صَعْبٌ كَثِيرًا!»:

(۱) آن جوان بخاطر خطاهایش گاهی خویشتن را در چاهی می‌بیند که خروج از آن سخت است!

(۲) آن جوان که برای اشتباهاتش خود را در چاه می‌اندازد، بیرون آمدنش از آن خیلی دشوار است!

(۳) گاهی جوان بخاطر اشتباهاتش خود را در چاهی می‌اندازد که خارج شدن از آن بسیار دشوار می‌باشد!

(۴) گاهی یک جوان به علت اشتباهاتش خود را در چاهی می‌بیند که بیرون آمدن از آن خیلی سخت می‌باشد!

۳۰- «إِذَا أَسَاءَكَ أَحَدٌ مُقَابِلَ مَرْوَةٍ تَكِ إِلَيْهِ، فَلَا تُخَيِّرِ النَّاسَ بِمَا فَعَلَ بِكَ حَتَّى لَا تَزُولَ الْمَرْوَةُ فِي الدُّنْيَا!»:

(۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردیت به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی

در دنیا از بین نرود!

(۲) آن‌گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کند، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در

دنیا باقی بماند!

(۳) چنان چه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروّت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا

باقی بماند!

(۴) اگر شخصی مقابل مروّت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از

بین نرود!

۳۱- عَيْنِ الْأَصْحٰ وَ الْأَدَقُّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

الَّذِي صَبَرَ عَلَى صَعُوبَاتِ الدَّهْرِ فَقَدْ ذَاتَ حُلُوِّ الْحَيَاةِ وَ مَرَّهَا ذَوْقًا!»

(۱) کسی که بر سختی‌های روزگار صبر کرده است حتماً شیرینی و تلخی زندگی را چشیده است!

(۲) دشواری‌های زندگی را اگر کسی تحمل کند ناگزیر از چشیدن تلخی و شیرینی آن هم هست!

(۳) هر کس بر دشواری‌های زندگی شکیبائی ورزد به طور قطع تلخی و شیرینی آن را چشیده است!

(۴) شیرین و تلخ زندگی را کسی چشید که در برابر سختی‌های روزگار شکیبائی به خرج دهد!



۳۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«لَمَّا قَلَّتْ لِأَخِي: أَلَا تَرَى تِلْكَ الْجِبَالَ الْجَاهِدَةَ؟ أَجَابَ: بَلْ أَرَاهَا مَتَحَرِّكَةً!»:

- ۱) چون به برادر خود گفتم: آیا آن کوه‌های منجمد را می‌بینی؟ پاسخ داد: آری، ولی آنها متحرک هستند!
- ۲) وقتی به برادرم گفتم: آیا آن کوه‌های بی حرکت را نمی‌بینی؟ جواب داد: ولی من آنها را متحرک می‌بینم!
- ۳) چون به برادر خویش گفتم: تو آن کوه‌ها را بی حرکت می‌بینی؟ پاسخ داد: و لیکن آنها متحرک می‌باشند!
- ۴) آنگاه که به برادرم گفتم: تو می‌توانی آن کوه‌ها را جامد ببینی؟ جواب داد: آری، آنها را بی حرکت می‌بینم!

۳۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«كَانَ آبَاؤُنَا يُؤَكِّدُونَ دَائِمًا أَنَّ طَرِيقَ الْوَصُولِ إِلَى الْعُلَى هُوَ الْإِحْسَانُ فِي حَقِّ النَّاسِ!»:

- ۱) تأکید پدران ما همیشه این بوده است که طریق دستیابی بر بزرگی، احسان کردن به مردم است!
- ۲) سفارش نیاکان ما تأکید بر این بوده که راه حصول به بزرگی‌ها، خوبی کردن در حق ناس است!
- ۳) پدران ما همواره تأکید می‌کردند که راه رسیدن به بزرگی، نیکی کردن در حق مردم است!
- ۴) نیاکان ما دائماً سفارش می‌کنند که طریق رسیدن به بزرگی‌ها، احسان در حق الناس است!

۳۴- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«كَانَ صَوْتُ أَوْلَادِكَ الْأَطْفَالَ الَّذِينَ يَلْعَبُونَ فِي انْتِهَاءِ الْمَنَاحَةِ فَرَحِينَ يَصِلُ إِلَى اِذْنَائِنَا، وَ نَحْنُ أَيْضًا كُنَّا مَسْرُورِينَ بِفَرَحِهِمْ!»:

- ۱) آن بچه‌ها هستند که در حیاط انتهائی با شادی بازی می‌کنند، و صدایشان به گوش ما می‌رسد و ما را شاد می‌کند!
- ۲) صدای آن کودکان که در آخر حیاط با شادی بازی می‌کنند به گوش ما می‌رسد، و ما نیز به شادی آنها شاد هستیم!
- ۳) صدای آن بچه‌ها که با شادی در انتهای حیاط بازی می‌کنند به گوش‌های ما می‌رسید، و ما نیز به شادی آنها شاد بودیم!

- ۴) آن کودکان که در آخر حیاط بازی می‌کنند صدایشان به گوش‌های ما می‌رسید، و ما را با شادی خود شاد کرده بودند!

۳۵- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

لَيْسَ هُنَاكَ حَدٌّ لِحَاجَاتِ الْإِنْسَانِ وَ لَكِنَّ الْمَصَادِرَ مَحْدُودَةَ، إِذْنَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَفِيدَ مِنْهَا بِطَرَقٍ دَقِيقَةٍ!

- ۱) نیازهای انسان حدّ ندارند و این در حالتی است که منابع محدودی دارد، بنابراین بر ما واجب است که با روش دقیقی از آنها استفاده کنیم!
- ۲) حدّ و مرزی برای نیازهای انسان نیست در حالی که منابع او محدود است، بنابراین ما باید با روش‌های صحیح آنها را مورد استفاده قرار دهیم!
- ۳) حاجات انسانی بی حد و مرز است، و با وجود منابع محدود بر ما لازم است که با روش مشخصی این منابع را مورد استفاده قرار دهیم!
- ۴) برای نیازهای انسان حدّی وجود ندارد در حالیکه منابع محدود است، لذا بر ماست که با روش‌های دقیقی از آنها استفاده کنیم!



۳۶- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) قبل كلِّ شيءٍ لَتَعْتَمِدَ الْقَدْرَةَ عَلَى الْقَعْلِ! قَدْرَتِ قَبْلَ مِنْ هَرِّ شَيْءٍ بِرِ عَقْلِ تَكِيهِ دَارِد!
- (۲) نَعْلَمُ كَثِيرًا مِنَ الْأَشْيَاءِ وَ لَكِنَّهَا لَيْسَتْ فِي ذَاكِرْتَنَا! بَا اَيْنَكِه خِيَلِي چيزها را می‌دانيم و ليکن آنها را به ياد نمی‌آوريم!
- (۳) إِنَّ الْأُسْرَةَ مُؤَثِّرَةٌ كَثِيرًا فِي تَرْبِيَةِ أَبْنَائِهَا بِلَا شَكٍّ! بَدُونِ تَرْدِيدِ خَانَوَادِهِهَا تَأْثِيرِ فِرَاوَانِي دَرِ تَرْبِيَةِ فِرْزَنْدَانِشَانِ خَوَاهَنْدِ دَاشْت!
- (۴) كَيْفَ قَدْرَتُ أَنْ تَحْفَظَ الْوَرْدَةَ فِي غَضَاضِهِ فِي هَذَا الْجَوِّ الْحَارِّ! دَرِ اَيْنِ هَوَايِ كَرَمِ چگونه توانستی گل را تازه نگه داری!

۳۷- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) لَا تَتَكَاسَلْ، فَإِنَّ النَّجَاحَ لَا يُنَاسِبُ الْكَسَلَ! تَنْبَلِي مَكْنُ كِه مَوْفَقِيَّتِ بَا تَنْبَلِي تَنْاسَبِ نَدَارِد!
- (۲) لَا تَتَكَاسَلِ الْمَمْرُضَةَ الْحَادِقَةَ عَنْ أَعْمَالِهَا! اِي پَرِسْتَارِ مَاهِرِ، دَرِ اَنْجَامِ كَارِهَايْتِ تَنْبَلِي مَكْن!
- (۳) شَاهِدِ الطَّلَابِ دَرَجَاتِهِمْ فِي الصَّفِّ فَائِزِينَ! نَمْرَهِي دَانِشِ اَمُوزَانِ كِلَاسِ رَا نِگَاهِ كُنِ كِه چگونه موفق هستند!
- (۴) صَادِقُ الَّذِي يُشْفِقُ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ فِي غَفْلَةٍ! اَنَكِه دِلْسُوزِ تُو اَسْتِ، بَا تُو دُوسْتِي كَرْدِ دَرِ حَالِيَكِه غَافِلِ بُوْدِي!

۳۸- عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- (۱) إِنَّ حَوَادِثَ الدَّهْرِ تَنْزِلُ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ: بِي شَكِّ حَوَادِثِ رُوزْكَارِ هِمَانِ اَسْتِ كِه بَرِ هَرِ نَفْسِي فِرُو مِي رِيْزِد.
- (۲) بِمَا قَدَّرَ لَهَا مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ: مَطَابِقِ اَنْچِه اَزِ زِيَادِي اِي نَقْصَانِ بَرَايِشِ مَقْدَّرِ شُدِه اَسْتِ.
- (۳) كَأَنَّهَا قَطْرَاتُ الْعَطْرِ الَّتِي تَنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ: كُوئي اَنهَا قَطْرَاتِ بَارَانِي هَسْتَنْدِ كِه اَزِ اَسْمَانِ بِه زَمِيْنِ فِرُودِ مِي اَيْنِد.
- (۴) وَسُتَفْتَنُونَ بِهَا، فِرَاقِبُوا اَنْفُسَكُمُ حَتَّى تَخْرُجُوا مِنْهَا اَعْرَاءً! وَ شَمَا بُوَسِيْلِه اَنهَا اِمْتِحَانِ خَوَاهِيْدِ شُدِ، پَسِ مِرَاقِبِ خُودِ بَاشِيْدِ تَا اَزِ اَن سَرِبَلَنْدِ بِيرونِ اَيِيْد!

۳۹- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) وَ لَا تَحْزَنْ بِمَصِيْبَةٍ قَدْ وَصَلَتْ إِلَيْكَ: وَ بَرِ مَصِيْبِيْتِي كِه بِه تُو رَسِيْدِه اَسْتِ، مَحْزُونِ مَشُو.
- (۲) فَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ مَاذَا قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ: زِيْرَا تُو نَمِي دَانِي كِه خِدَاوَنْدِ چِه چيزِي رَا اَزِ اُو كَرَفْتِه اَسْتِ.
- (۳) لَا تَحْسَدُ أَحَدًا عَلَى نِعْمَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ: بَرِ كُسي بَخَاطِرِ نَعْمَتِي كِه خِدَاوَنْدِ بِه اُو دَادِه حَسَادَتِ نُوْرِزِ.
- (۴) فَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ مَاذَا سَيُعْطِيكَ اللَّهُ بَدَلِهَا! چِه، تُو نَمِي دَانِي پَرُورْدِگَارَاتِ چِه چيزِي رَا قَرَارِ اَسْتِ بِه تُو بَدِهْد!

۴۰- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) إِنَّ هَذَا التَّلْمِيْذَ أَكْثَرَ مِمَّا اجْتِهَادًا فِي الصَّفِّ: تَلَاشِ اَيْنِ دَانِشِ اَمُوزِ دَرِ كِلَاسِ بِيْشِ تَرِ اَزِ مَاسْت!
- (۲) لَمْ يُسَافِرْ مِنْ أَوْلَادِ صَدِيْقَتِي إِلَّا الْأَكْبَرُ مِنْهُمْ: اَزِ فِرْزَنْدَانِ دُوسْتِمِ فِقْطِ بَزْرْگِ تَرِيْنِ اَن هَا بِه مَسَافِرْتِ رَفْتِه اَسْت!
- (۳) شَاهَدْتُ فِي الْمَسْتَشْفَى مَقَاتِلًا قَدْ جُرِحَ شَدِيْدًا: دَرِ بِيْمَارِسْتَانِ رَزْمَنْدِه اِي رَا دِيْدِمُ كِه شَدِيْدًا مَجْرُوحِ شُدِه بُوْد!
- (۴) لَنْ أَتْرَكَ هَذِهِ الدُّنْيَا بِذَرِيْعَةِ الْحَصُولِ عَلَى الْآخِرَةِ: هَرْگِزِ دُنْيَايِ خُودِ رَا بِه بَهَانِهِي بِه دَسْتِ اُورْدَنْ اَخْرَتِ تَرِكِ نَكْرَدِه اَم!



۴۱- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) قال المعلمُ لمتعلميه تكلموا معا بالتي هي أحسن! معلم به دانش‌آموزانش گفت که با یکدیگر به وجهی که بهتر است سخن بگوئید!

(۲) نحن نصلي لله مُطالبين المعونة الإلهية منه! ما نماز می‌خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!

(۳) قلب هذا المؤمن كأنه قد فرغ من غير الله! قلب این مؤمن گوئی از غیر خدا خالی شده است!

(۴) جمال العلم و الأدب زينة لا تزول! زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی‌شود!

۴۲- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) هذه اليد يحبها الله: این دست است و خداوند آن را دوست می‌دارد!

(۲) هذه يد يحبها الله: این دستی است که خداوند آن را دوست می‌دارد!

(۳) هؤلاء المكرمون لا يتكبرون على أولئك: این گرامیان بر آن‌ها تکبر نمی‌ورزند!

(۴) هؤلاء مكرمون لأنهم لا يتكبرون على الآخرين: اینان گرامی هستند، چون بر دیگران تکبر نمی‌کنند!

۴۳- عَيْنُ الْأَصْحِّ وَالْأَدْقِ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

«این جا تجاربی ارزنده است که ما آن‌ها را از بزرگان خود به ارث می‌بریم شاید از آن‌ها عبرت بگیریم!»

(۱) هنا تجارب قيمة نرثها من كبارنا لعلنا نعتبر بها!

(۲) هنا تجارب قيمة ورثناها من كبارنا لعلنا نعتبر منها!

(۳) هنا تجارب ثمينة الذي ورث كبارنا إلينا لعلنا إعتبرنا بها!

(۴) هنا تجارب ثمينة نرث من كبار قومنا لعلنا إعتبرنا منها!

۴۴- «دنيا را رها کن تا کسی را که دوستش داری و دوستت دارد ببینی، و او پروردگار تو است!» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) دع الدنيا حتى تلقى من تحبه و يحبك، و هو ربك!

(۲) إطرح الدنيا حتى تنظر من تحبك و يحبه، و هو ربك!

(۳) أدعي الدنيا حت تنظري الذي يحبه و يحبك، و هو إلهك!

(۴) خلصي من الدنيا حتى تلقى من تحبها و يحبك، و هو إلهك!

۴۵- توبه کننده کسی است که وقتی متوجه شد عمل او اشتباه است، آن را برای همیشه ترك کند! عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) إن التي لا تترك عملها حينما لا تعلم أنه سيئ، هي التائب!

(۲) التائب هو الذي حينما علم أن عمله سيئ، يتركه في النهاية!

(۳) التائب من تترك عملها إلى الأبد عندما علمت أنه غير صحيح!

(۴) إنما الذي يترك عمله السيئ إلى الأبد عندما عرفه، هو التائب!

۴۶- «پدیده عجیب قوس قزح عبارتست از شکسته شدن نور خورشید در قطره باران، که بسیار زیباست!»:

(۱) ظاهرة قوس قزح العجيبة هي إنكسار ضوء الشمس في قطرة المطر، و هي جميلة جداً!

(۲) إن الظاهرة العجيبة لقوس قزح إنكسار الضوء للشمس في قطرات المطر، و هي دائماً جميلة!

(۳) الظاهرة لقوس قزح عجيبة و هي أن ينكسر الضوء للشمس عند قطرات للمطر، و جميل جداً!

(۴) إن ظاهرة عجيبة قوس قزح و هي عندما إنكسر ضوء الشمس تحدث في قطرة المطر، و دائماً جميلة!



۴۷- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

«امروز در جهان کنونی ترك کردن کوچک ترین اشتباهات، از بزرگ ترین فضیلت‌ها بشمار می‌آید!»:

- ۱) اليوم في العالم الحالي ترك أصغر الخطأ يعتبر من أكبر فضائلك!
- ۲) اليوم في العالم المعاصر ترك أصغر الأخطاء يُعدّ من أكبر الفضائل!
- ۳) هذه الأيام في العالم الحالي ترك أصغر معاصيك يعدّ من أكبر فضائلك!
- ۴) هذا اليوم في العالم المعاصر ترك الاشتباهات الأصغر يعتبر من فضائل أكبر!

۴۸- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ:

«به دوستم که از سال‌ها پیش او را ندیده بودم گفتم: آیا گمان کردی که تورا فراموش کرده ام و یادی از تو باقی نمانده است!»:

- ۱) قلت لصديقي الذي ما كنتُ شاهدته منذ سنين: هل ظننتُ أنّي قد نسيتك و لم يبق منك ذكر!
- ۲) قلت لصديقي الذي ما كنتُ أشاهده منذ سنين: هل ظننتُ أنّي نسيت وما بقت منك ذكرا!
- ۳) قلت للصديق الذي لم أشاهده منذ سنين: هل تظنّ أنّي قد أنساك و لم يبق ذكر لك!
- ۴) قلت لصديق الذي ما شاهدته منذ سنين: هل تظنّ أنساك و لم تبق ذكر لك!

۴۹- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

«با احترام برای کسی که در سالگی از عمرش به تحصیل پرداخته است، از جای خود بر می‌خیزیم!»:

- ۱) نقف من أماننا بالاحترام لمن يقوم أربعين سنة من عمره بالدراسة!
- ۲) نقف لمكاننا مع الاحترام لمن يعمل أربعين سنة من عمره بالدراسة!
- ۳) نقوم من مكاننا محترمين للذي قد قام بالدراسة في الأربعين من عمره!
- ۴) نقوم لأماكن لنا لنحترم الذي عمل بالدراسة في سنّ الأربعين من عمره!

۵۰- «العبرة بالأفعال و ليست بالأقوال!»: عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- ۱) گفتار بی کردار ضایع ماند!
- ۲) به عمل کار برآید به سخندانی نیست!
- ۳) دو صد گفته چون نیم کردار نیست
- ۴) جهان یادگار است و ما رفتنی

۵۱- «و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونا!»: عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

- ۱) تواضع سر رفعت افرازدت! تکبر به خاک اندر اندازدت!
- ۲) رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود
- ۳) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
- ۴) بزرگان نکردند در خود نگاه



۵۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوَبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

(۱) كُلِّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ:

داده‌ی خود، سپهر بستاند

(۲) «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ سَهَرَ اللَّيَالِي»

نشاید بهی یافت بی‌رنج و بیم

(۳) «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»

چنین گفت رستم به اسفندیار

(۴) «كَانَ إِرْضَاءَ النَّاسِ غَايَةً لَا تَدْرِكُ»

خاطری چند اگر از تو شود شاد، بس است

زندگانی به مراد همه کس نتوان کرد!

۵۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِّ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوَبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيبِ

وَ الْمَرْءِ بِالْجَبَنِ لَا يَنْجُو مِنَ الْقَدْرِ . عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ الْمَصْرَاعِ:

(۱) تَقْدِيرٌ چو سابق است تدبیر را چه سود!

(۲) لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

(۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

(۴) خدا کشتی آن جا که خواهد برد

اگر ناخدا جامه بر تن دَرَد!